اربعین، شروع جاذبه مغناطیس حسینی

تحقیق پیش رو بر آن است برای فهم مختصر از مجمل، روشن کند مقصود از شروع جاذبه مغناطیس حسینی چیست؟

به شهادت روایات، امام، کسی است که، (ببقائه بقیت الدنیا و بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء)
یا در جای دیگردردعای ندبه آمده است:( این السبب المتصل بین الارض و السماء)
وجود امام است که، ضامن بقاء دنیا و روزی ماورا(خلقت) و ثبات واتصال زمین وآسمان است.
شاید اگر از شما بپرسند، از ویژگیهای بارز زمین چیست، بگویی، نیروی جاذبه است. ولی من امروز می خواهم بگویم نیروی جاذبه و دافعه زمین؛ در واقع زمین مجتمع ضدّین است و با این حرف قانون اجتماع ضدین در یک حالّ محال است باطل می شود.

از آنجا که، هسته مذاب آهنی زمین یک میدان مغناطیسی ایجاد می کند؛ زمین شبیه یک مغناطیس بزرگ است که در بالا و پایین و در واقع نزدیک به قطب های جغرافیایی دارای قطب های مغناطیسی می باشد. این میدان مغناطیسی از سطح زمین تا هزاران کلیومتر به دورآن امتداد یافته و منطقه ای را ایجاد کرده که به نام مغناطیس کره  یاد می شود. ما باید مدیون مغناطیس کره باشیم، زیرا در نبود آن، ذرات بادهای خورشیدی با زمین برخورد نموده و سطح آن را در معرض مقدار زیاد تشعشعات یا تابش های خورشیدی قرار می دهد. اما مغناطیس کره بادهای خورشیدی را به دور زمین هدایت نموده و ما را در برابر آسیب آن محافظت می کند.

با این بیان جاذبه مغناطیسی، یک تعبیر حکیمانه ایست از (اشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم)[سوره فتح آیه29]، که این جامع اضداد بودن، در امام و مأموم باید باشد، تا دفع شرّ فتن آخرالزّمان و تخلّص مأمومین به جذبه مغناطیسی محقّق شود.

و از ویژگیهای آسمان می توان به این موارد، اشاره کرد:1. مبدأ نزول باران و رزق و خیر و برکت (و بیمنه رزق الوری) بدون برکت وجودی امام که نشانی از واجب الوجود است و صفیّ الله است، رازقیت تعطیل میشود به همین جهت است که اولین انسان و آخرین انسان، امامت و پیشوایی و زعامت الهی و خلیفه خداوند بر خلق است.
2. سقف مرفوع (وَالسَّقفِ المَرفُوعِ) [سوره طور آیه 5 ] این همان خصلت مدافع بودن است و دفاع در برابر شهاب سنگها و غیره درخلقت طبیعت آسمان و می خواهد بگوید مغناطیس شدن و نشانه مأموم داشتن متوقّف بر رسیدن به رفع قدر و منزلت در پیشگاه خالق است که محقّق نمیشود مگر با سر ساییدن، بر خاک پسر بو تراب و عمل به ( انّی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم ) و اقامه کردن این تسلیم بودن با کسانیکه در مقابل امام تسلیمند و در جنگ و محاربه بودن با کسانیکه با امام، محاربه دارند. یعنی جذبه مغناطیسی داشتن؛ راضی باشیم و قلبا دوستان امام را دوست داشته باشیم و قلبا دشمنان امام را لایق شهاب سنگ بدانیم. و کسانیکه عکس این رویّه را در پیش گرفته اند (یعنی با دوستان امام (کسانیکه عشق موالی دین در دل دارند و اعمالی از جمله پیاده روی اربعین را انجام می دهند) ، قطع رابطه می کنند ، و با دشمنان امام (تخریب کنندگان مزار امام و تخریب کنندگان فرهنگ امام) رابطه و مذاکره را در رأس کارهایشان قرار می دهند )، باید عاقبت اندیشی کنند.

 3. جایگاه اصلی فرشتگان (قُلْ لَوْ کانَ فِی الْأَرْضِ مَلائِکَةٌ یَمْشُونَ مُطْمَئِنِّینَ لَنَزَّلْنا عَلَیْهِمْ مِنَ السَّماءِ مَلَکاً رَسُولاً)[سوره اسراء آیه 95] و انسان از ملائک برتر است زیرا جبرائیل به پیامبر(صلّی الله علیه و آله) در آسمان هفتم می فرماید من اگر از این بالاتر بیایم پرهایم از جذبه عشق الهی می سوزد. پس کمال حقیقی را بنگر که ماموم را تا به (قاب قسین أو ادنی) راهنمایی می کند.

4. مجراى نزول وحى (قَدْ نَرى‏ تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّماءِ) [سوره بقره آیه 144] آری آسمان، نقش مجرایی دارد و موضع رسالت و محل قابل و تسلیم و پذیرای وحی، قلب خلیفه الهی ، پیامبر اسلام است. حیاتبخش و جاری کننده اسلام در قلوب و هدایت قلوب به سمت خالق یکتا واجرای اوامر و نواهی اش، کسی جز پیامبر خدا و اوصیاءش و رواة احادیثشان در زمان غیبت امام، نیستند.

5. جایگاه و مبدأ تدبیر امور (پروردگار شما، خداوندى است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (شش دوران‏) آفرید سپس بر تخت [قدرت] قرار گرفت، و به تدبیر کار [جهان] پرداخت) [سوره یونس آیه3] آسمانی بودن، با این خصوصیّت، یعنی تدبیر امور همگام با نظارت بر حسن انجام آن، نظارت خداوند را این آیه اثبات می کند که می فرماید:[ فتعالی الله الملک الحق و لا تعجل بالقرآن ...] و اینکه خدایی کردن، خود برتر بینی و دستور و قانون وضع کردن، نیست؛ مهمترین رکن این مجموعه خلقت، وجود هادی و راهنما برای جهت یابی خلقت است. خلقت که گفته می شود مقصود، عالم کبیر(آسمانها و زمین) و عالم صغیر(انسان) است. مداقّه کردن در عالم کبیر می فهماند، ملائک بیت المعمور را به طاعت و عبادت دائم ، آباد کرده اند ،جهت خم شدن درختان به سمت قبله است ، ذبح گوسفندان به سمت قبله،دفع گدازه های آتشفشان از عمق زمین و در جای دیگر جوشش آب در سرچشمه هاو ...تنفس زمین و حرکت خلقت در این آبادانی و تخریب، درس عبرت و تجربه ای بسوی کمال است. در عالَم صغیر، باید در حبّ و بغض و مسیر و طیّ مسیر کمال، دقّت کرد که عکس جریان آب رودخانه حرکت نکنیم و هیزم آتش دشمنان خدا و قبیله خدا را بیشتر نکنیم و در این راه پر مشقّت، این امام وولایت است که عملکردش جذبه مغناطیسی دارد و رتبه مأموم، می طلبد تبعیّت و پیروی مشایعت و مبایعت گونه را ، تا به کمال ختم گردد.

ویژگی‌هاى مشترکی نیز بین ‏آسمان و زمین وجود دارد که از این جهت برتری میان آنها وجود ندارد؛ مانند:
1. تسبیح کننده 2. مطیع خداوند

از القاب امام زمان علیه السلام، قائم است، یعنی قویم و قوام دهنده راه حقّ و خقیقت است چراکه مقوّم، کجیها را راست می کند و ضعفها را قوّت می بخشد وقوّت را به کمال می رساند و این از تسبیح حیّ قیّوم میسّر است. و قوام تسبیح آسمانها و زمین هم به تسبیح امام است.

اطاعت در زمین و آسمان، یعنی هر کدام در جایگاه و مدار خود حرکت کند وآنچه در آسمان و زمین است ازموجودات مجرد و جماد و نبات و حیوان و انسان ، در مسیر معین الهی حرکت کندو مشخصا انسان در طی مسیر، راهنمایانی دارد که بهترین الگوی اطاعتند(قرآن صامت و قرآن ناطق)

بیش از یک قرن و نیم، امام زمان علیه السلام، مطیع و منتظر اذن الهی است

نیروی جاذبه و دافعه زمین، بی یمن وجود امام، جذّابیّتی نداردو تشعشع انوار خوشید و اقمار و انجم ، به برکت وجود شموس طالعه و اقمار منیره و انجم ظاهره اهل بیت عصمت، نمایان است و گر نه فایده ای بر روشنایی، بدون روشنگری حقیقت و بصیرت افزایی ،مترتّب نیست. چرا که در این روشنایی حقّ و باطل در هم آمیخته اند ولی در خورشیدهای بصیر بینایی و روشنگری حقیقی نهفته است. که به کمال رهنمون است.

 در اینکه،کمال چیست و انسان کامل کیست، باید در وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت، جستجو کرد.عالَم باید به سوی وحدت کلمه پیش رود تا بها و قدر و قیمت یابد و از تکثّر و بهانه جویی و کثرت ، گذر کند.

و آن انسان کامل دهر و راهنمای خلق کیست تا به خاک رهش چنگ زنیم وبه برکتش، خاک وجودمان را از مغناطیس ضمیر سماوی اش، سیراب گردد و شرف یابد.؟

آری او حسین است که( اشدّاء علی الکفّار و رحماء بینهم ) است. هم او که در معرکه جهاد علمدار لشکرش را امر می کند: [ فاطلب لهؤلاء الاطفال قلیلا من الماء] یا در آن بهبوهه بالای سرقاسم بن الحسن (ع)می رود و چنین دلدادگی میکند: [ یابنیّ اصبر قلیلا حتّی تلقی جدّک رسول الله (صلّی الله علیه و آله) فیسقیک شربة من الماء لا تظمأ بعدها ابدا ] همینطوربعد از جراحات شدید حضرت علی اکبر(ع) که به زبانحال می گوید:[ یا ابی العطش، قدقتلنی و ثقل الحدید، قد اجهدنی فهل الی شربة من ماء و سبیل التقوی بها علی الاعداء؟ فبک الحسین(علیه السّلام) و قال یا بنیّ یغز(سخت است) علی محمّد و علی و فاطمة الزهرا و علی الحسن و علی ابیک ان دعوهم فلا یجیبونک و تستغیث بهم فلا یغیثونک]

امّا همین امام در برابر یزید و پیمان شکنی اش می ایستد و بر عهد و پیمان امام حسن(علیه السلام) می ماند و زیر بار سخن باطل نمی رود و اقدامی جهادگرانه می کند و حجّش را به عمره تبدیل میکند وبرای احیای دین جدّش به کوفه و...کربلا رهسپار می شود و با تمام اموال و اولاد و اصحاب و توان در مقابل شرک و کفر و الحاد می ایستد تا اینکه مهجت قلب نبی مهجتش را در راه دین خدا بذل می کند. مراقب باشیم که گیرایی به موقع داشته باشیم؛ وقتی امام برخلاف معمول همیشه، حج را به عمره تبدیل کرد ، گِرا را بگیرو چون و چرا نکن چرا که از مبانی اعتقادی ات، قبول امامت است.

از ویژگیهای مغناطیس، جذب و دفع مدام است؛ اربعین مطلع این شعر حماسی است که مقطعش باید به ظهور مزیّن گردد

اگر بعد از اربعین، از امام جدا شدم و دچار روزمرّگی شدم، بدانم که گوشه ای از شهاب سنگ به من خورده و با استغفار برگردم ؛ و بدانم که عیب از من و از مسلمانی من است نه از اسلام و از امامم.

و تشنه امام بودن، یعنی اربعین شروع جذبه عشق است و باید این سرچشمه جاری شود در تمام عمر و تا ظهور موعود قطع نشود و مستدام باشد

در این مدار عشق،

امام حسین علیه السّلام و حضرت زینب سلام الله علیها و امام سجاد علیه السّلام، حسن مطلع بودند و

امام زمان علیه السّلام و یاران صدّیقش، حکم حسن مقطع را دارند

و من و تو در پیوند این مطلع و مقطع، کجای قافیه ایم؟

اصلا در متن هستیم؟

با احتساب کلّیّت مقاله برای حاشیه این متن، محلّی از اعراب نمی ماند.

چرا که یا در دایره پرگار ولایتیم یا خارج از آن.

نتیجه اینکه راه رسیدن به جذبه مغناطیسی حسینی، مجذوب حق شدن است.

اربعین یعنی چهل روز انتظار

اربعین ، یعنی نقطه شروع انتظار

انتظار برای چه؟ منتظِر و منتظَر کیست؟

آری سراسر زیارتنامه اربعین و زیارتنامه حضرت عبّاس(علیه السّلام) به اثبات مظلومیّت اباعبدالله الحسین(علیه السّلام) و یارانش پرداخته و معرّفی مظلوم و معرّفی ظالم که به رجعت منتهی می شود بیان می کند که انتقام خون مظلوم از ظالم به دست امام زمان(علیه السّلام) گرفته خواهد شد.

لبّیک یا حسین

اللهم صلّ علی محمد وال محمد وعجل فرجهم